

عراق؛ ادیان، طوایف و اقوام، چالش‌های سیاسی و امنیتی

اسماعیل احمدی مقدم^۱

علی جمعه عباس الوندی^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۱۱

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا / سال پنجم / شماره هفدهم - پاییز ۱۳۹۹* ۲۴-۵

چکیده

پس از شکست دولت عثمانی در جنگ جهانی اول، کشور عراق با مرزهای کنونی ایجاد شد و از آن پس، به جهت ساخت قومی و طایفه‌ای و امتداد این اقوام به خارج از مرزهای سیاسی، عراق همواره با چالش‌های سیاسی و امنیتی مواجه بوده‌است؛ تا جایی که حتی در دوران حکومت مستبد بعث و به خصوص صدام حسین و با وجود سرکوب‌های خشن، این چالش‌ها همچنان باقی ماند و پس از حمله صدام به کویت و حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به عراق در عملیات طوفان صحرا و برکناری حکومت صدام حسین نیز این مشکلات نه تنها حل نشد بلکه با مداخله تفرقه‌افکنانه امریکایی‌ها پیچیده‌تر گردید و نظام طایفه‌ای در قانون اساسی عراق، شکلی رسمی یافت. از آغاز ورود اشغالگران، این کشور همواره صحنه چالش‌های سیاسی، امنیتی و نظامی بود و ناکارآمدی دولت و ساختارهای رسمی برآمده از نظام سهم‌خواهی طایفه‌ای، وحدت ملی، اقتصاد و خدمات عمومی را به چالش کشید و تبعاتی طولانی‌مدتی نظیر فساد در حکومت و تشدید نارضایتی در مردم را برجای نهاد.

مقاله حاضر، با هدف تلاش برای شناخت و تبیین دلایل، عوامل، ریشه‌ها و پیامدهای نظام طایفه‌ای در عراق، به دنبال ارائه راهبردهایی برای برون‌رفت از این چالش‌هاست. روش تحقیق حاضر، کتابخانه‌ای از نوع اکتشافی و توصیفی با رویکرد کیفی است و تحلیل تجارب میدانی محققان در زمانی متمادی نیز منبع دیگری برای غنای مقاله می‌باشد. طبق نظر محققان، چالش‌های اصلی قابل‌بررسی در این زمینه، ساخت طایفه‌ای کشور از ابتدای تشکیل پس از جنگ جهانی اول، فقدان هویت ملی، امتداد طوایف به خارج از مرزهای سیاسی، اشغال، تجاوز و دخالت‌های بیگانگان، ناامنی‌ها و حضور گروه‌های افراطی خشن، دولت ضعیف و ناکارآمد

shahid.kavand@gmail.com

۱. دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکترای مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

و فساد اداری می‌باشند و راهبردهای برون‌رفت از این چالش‌ها نیز عبارتند از تمرکز بر بهینه‌سازی دولت عراق، تحول اقتصادی، کارآمدی نیروهای امنیتی، میانجی‌گری میان بغداد و اقلیم کردستان، عبور از فرقه‌گرایی و ادغام هویت‌ها در هویت ملی و نیز وضع قانونی قاطع برای تعقیب فتنه‌گران.

واژگان کلیدی: عراق، اقوام، طایفه‌ها، چالش‌های سیاسی، چالش‌های امنیتی

مقدمه

خداوند متعال در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران در باب پرهیز از تفرقه می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم إذ کنتم أعداء فألّف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخواناً و کنتم علی شفا حفرة من النار فأنقذکم منها ... ؛ همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید و نعمت‌های خدا را به یاد آورید؛ آنگاه که با یکدیگر دشمن بودید و خداوند قلوب شما را به یکدیگر نزدیک ساخت و به لطف او با هم برادر شدید. در لبه پرتگاه آتش بودید که خدا شما را نجات داد ...»؛ فحوای آیه، در حقیقت، اشاره به نقشی است که وحدت ملی در ساخت افراد و جامعه و همچنین، دولت‌ها بازی می‌کند و با شرایط کشور عراق که از نژادها و طوایف متعدد و درآمیخته‌ای تشکیل شده‌است، مصداق می‌یابد. اقوام عراقی مرکب است از اعراب، کردها، ترکمان‌ها و آشوری‌ها، و از نظر دینی نیز سنی، شیعه، مسیحی و اقلیت‌های مذهبی دیگر را دربر گرفته‌است و براین اساس، باید تأکید نمود که مشکلات کنونی کشور عراق، فقط زاده اشغالگری امریکا و سقوط دولت صدام حسین نیست بلکه به زمان تأسیس عراق جدید در ۱۹۲۱م. و دوره‌های زمانی و نظم سیاسی و دولت‌های عراق باز می‌گردد و آنچه که پس از اشغال این کشور و حمله امریکا رخ داده‌است، دارای ریشه‌هایی قدیمی در طی سال‌های طولانی است که تهاجم خارجی موجب سرباز کردن این زخم و آشکار شدن آن گردیده‌است و تا جایی پیش رفته‌است که بعد از گذشت بیش از ۱۷ سال از سقوط نظام سرکش صدام حسین، همچنان خشونت و تشنج بین شیعه، سنی و کرد، ثبات عراق و موسسات آن را تهدید می‌نماید. در حقیقت، رقابت بین شیعه، سنی و کرد در عراق، محور درگیری‌های سیاسی در حکومت از ابتدای سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳م. است؛ به این ترتیب که تشنج‌های طایفه‌ای در ساخت حکومت ایجاد مانع نمود و آرامش را در سراسر کشور به خطر انداخت و اقدامات

دولت‌های روی کار آمده نیز نتوانست از شعله‌ور شدن درگیری‌های سیاسی ممانعت ورزد و این اختلافات، هر روز بیش از پیش، موجب گسترش خشونت طایفه‌ای بین نژادها و ادیان مختلف گردیده‌است. در این میان، مهم‌ترین عامل تقویت اختلافات و خشونت‌های طایفه‌ای، اشغالگری امریکا است؛ به طوری که می‌توان ادعا نمود که امریکا تلاش خود را بر پایه‌گذاری نظام سیاسی عراق بر اساس اختلافات قومی و نژادی معطوف نموده‌است و ایجاد قانون اساسی جدید نیز زمینه‌ساز حکومتی سست و به دور از یکپارچگی گردیده‌است و این امر نیز به نوبه خود، باعث گسترش هرج و مرج و عدم کنترل مرزها و تردد گروه‌های تروریستی مسلحی گردیده‌است که نقشی فعال را در درگیری‌های قومی برعهده داشته‌اند (حارث حسن، ۲۰۱۴).

هدف مقاله حاضر، بررسی قومیت‌ها، ادیان و مذاهب در عراق و چالش‌های سیاسی و امنیتی ایجادشده و همچنین، تفسیر وقایع خشونت‌بار طایفه‌ای و سیاسی موجود در عراق، پیش و پس از اشغال امریکا در ۲۰۰۳م. است که در نهایت، منجر به تهدید آرامش و ثبات عراق گردیده‌است و در این میان، به فعل و انفعالاتی که موجب حوادث خشونت‌بار و جنگ‌های طایفه‌ای و تلاش‌های فرصت‌طلبانه گروه‌های مختلف که به جهت طمع و زیاده‌خواهی برای تسلط بیشتر در حکومت، صورت پذیرفته‌است نیز اشاره خواهد شد. همچنین، وضع سیاسی و امنیتی عراق و تعدد رویکردها در ماجرای همکاری و نحوه رفتار با مسائل ملی مانند زیر پا گذاشتن آشکار حاکمیت عراق از سوی نیروهای امریکایی و تشکیل دولتی توانا در رهبری عراق تا زمان انتخابات زود هنگام نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ادیان، طوایف و اقوام در عراق

محدوده عراق کنونی، درحقیقت، یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری است که از هزاران سال قبل پدید آمده‌است و در پایه‌گذاری آن، می‌توان از اقوام و ملت‌هایی مانند سومری‌ها، کلدانی‌ها، آشوری‌ها، فارس‌ها، ترک‌ها، اعراب و بابلی‌ها نام برد. اعراب گروه وسیعی از ساکنان عراق را تشکیل می‌دهند و کردها، ترکمان‌ها و سایر اقوام در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گیرند. در این کشور، دین اسلام، دین رسمی حکومت است و به موجب ماده ۲ قانون اساسی و ماده ۱۴ آن، تمام ساکنان سرزمین عراق، در برابر قانون مساوی و به دور از تبعیض قلمداد می‌شوند. ماده ۴۳ قانون اساسی، پیروان همه مذاهب را در اجرای شعائر دینی خود آزاد می‌داند و بر شعائر حسینی تأکید می‌ورزد و حکومت نیز متکفل آزادی عبادت و حمایت از اماکن دینی است. در یک معرفی اجمالی، ادیان، طوایف و اقوام در عراق کنونی شامل گروه‌های زیر است:

۱. سنی و شیعه

مسلمانان حدود ۹۵٪ از ساکنان عراق را تشکیل می‌دهند و ۵٪ باقی‌مانده نیز شامل مسیحی‌ها، یزیدی‌ها، صائبی‌ها و پیروان ادیان دیگر هستند. گرچه آمار قابل‌انکابی از تعداد ساکنان عراق از نظر دینی و طایفه‌ای یا قومی به صورت رسمی وجود ندارد اما فراکسیون‌های سیاسی مجلس انتقالی بعد از اشغال عراق در ۲۰۰۳م. بر نسبت‌هایی توافق نمودند تا بر اساس آن، نسبت به تقسیم منابع و قدرت اقدام گردد. به موجب این توافق، جمعیت عراق متشکل از ۵۵٪ عرب شیعه و ۲۲٪ عرب سنی است (یعنی عرب‌ها حدود ۷۷٪ از جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند) و سپس کردها ۱۹٪ و ترکمان حدود ۳٪ و سایر اقوام نیز ۱٪ از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند. بر حسب قانون اساسی موقت سال ۱۹۷۰م. نسبت عرب‌ها بین ۷۵ تا ۸۰ درصد و کردها بین ۱۵ تا ۲۰ درصد و سایر قومیت‌ها (مثل ترکمان، سریانی و ...) بین ۵ تا ۷ درصد برآورده شده‌است.

۲. کردها

کردها در سه استان شمالی عراق - یعنی سلیمانیه، اربیل و دهوک - متمرکز هستند. وزارت برنامه‌ریزی در سرشماری برآوردی ۲۰۱۷م. نسبت ساکنان این سه استان را بالغ بر ۱۳/۲٪ از ساکنان کل عراق بیان نموده‌است. این نسبت بدون محاسبه سایر اکراد ساکن در استان‌های کرکوک، دیاله واسط و پایتخت بغداد می‌باشد.

۳. ترکمان

ترکمان‌ها یکی از بارزترین اقلیت‌های عراقی هستند که از عدم برخورداری از حقوق متناسب با وزن خود شکایت دارند و بعد از عرب‌ها و اکراد، بزرگ‌ترین طایفه به‌شمار می‌روند و تعداد آنها از سوی سازمان‌های ترکمان، چیزی حدود ۳ میلیون نفر برآورد شده‌است؛ اما آمارهای دیگری وجود دارد که تعداد این گروه را بیش از ۲ میلیون نفر نمی‌داند. ترکمان‌ها در شمال عراق و در کرکوک نینوا و اقلیم کردستان مستقر هستند و بیش از ۵۵٪ از ساکنان اقلیم کردستان و تعداد غیرقابل‌برآوردی در استان نینوا را تشکیل می‌دهند و همه آنها به زبان ترکمانی گفتگو می‌کنند. در مورد انتساب مذهبی ترکمان‌ها آمار دقیقی وجود ندارد و حدود نیمی از آنان سنی و نیم دیگر شیعه برآورد شده‌اند.

۴. کلد و آشوری‌ها

کلد و آشوری‌ها در دشت نینوا در استان نینوا، بصره و بغداد گسترش یافته‌اند و به زبان سریانی

تکلم می‌کنند و تمامی آنها مسیحی مذهب هستند. در مورد اینکه چرا آنها کلد و آشوری نامیده شده‌اند، اختلاف نظر وجود دارد و در هر حال، هر کدام از آنها دارای خصوصیات و فرهنگ خاص خود می‌باشند.

آشوری‌ها حدود ۵٪ از ساکنان عراق را تشکیل می‌دهند و از قوم سامی هستند که از هزاره سوم قبل از میلاد، در منطقه شمال عراق وطن گزیده‌اند. آشوری‌ها به زبان آشوری جدید صحبت می‌کنند که در ادبیات کلیسا، به زبان سریانی نیز شناخته می‌شود. کلدانی‌های معاصر نیز، در حقیقت، از تبار ساکنان اصلی راضدین (منظور دجله و فرات) هستند که به زبان آرامی صحبت می‌کنند و جمعیت آنها حدود ۶۵۰ هزار نفر از کل مردم عراق است و حدود ۸۰٪ از مسیحی‌های عراق را تشکیل می‌دهند و در ساحل رود فرات در جنوب عراق زندگی می‌کنند.

۵. ایزدی‌ها

ایزدی‌ها - که در حقیقت، دین موجب تشکیل آنها به‌عنوان یک قوم شده‌است - بر اساس برآورد ۱۹۷۷م. دارای جمعیتی بیش از یک‌صد هزار نفر هستند و بر اساس آمار منابع غیررسمی، حدود ۲٪ از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند و جمعیت آنها ترکیبی از عرب، فارس و ترک است که به زبان‌های گوناگون صحبت می‌کنند و در منطقه فرمانداری شیخان در شمال شرق موصل و منطقه جبل سنجاز نزدیک مرزهای شمال غرب عراق با سوریه به سر می‌برند.

۶. صائبی‌مندائی‌ها

صائبی‌مندائی‌ها از قوم آرامی و از گذشتگان عرب هستند که در حدود سال ۱۰۰م. به عراق مهاجرت کردند و جمعیت آنها حدود ۲۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود. بسیاری از آنها ساکن بغداد، عماره، بصره، ناصریه، کوت، دیوانیه و دیاله بوده و در حاشیه رودها زندگی می‌کنند و زبان خاص خود را دارند.

۷. یهودی‌ها

جمعیت یهودی‌های ساکن عراق، حدود ۴۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود. این گروه، از بازماندگان کوچ دسته‌جمعی و جابه‌جایی بعد از سال ۱۹۴۸م. (تشکیل دولت غاصب اسرائیل) می‌باشند. در آن زمان، جمعیت یهودی‌های عراق در حدود ۱۲۰ هزار نفر بود و در واقع، حضور یهودی‌ها در عراق به سال‌های ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸م. (جنگ جهانی اول) تا اواخر دهه چهل میلادی در مناطق بغداد، بصره و شمال عراق بازمی‌گردد.

۸. شبکه‌ها

شبکه‌ها به قبیله شبکه کردی منسوب هستند و دولت عراق آنها را جزو ایزدی‌ها به‌شمار می‌آورد؛ اما درحقیقت، این‌گونه نیست و زبان و نسب شبکه‌ها با اکرد متفاوت است. گروهی از شبکه‌ها سنی شافعی هستند و گروهی دیگر جزو شیعه به‌شمار می‌روند. در سال ۱۹۷۷م. جمعیت شبکه‌ها حدود ۸۰ هزار نفر برآورد شد و در سرشماری رسمی همان سال، آنها در شمار عرب‌ها جای گرفتند (رائد حامد، ۲۰۱۹).

خسونت‌های قومی و فرقه‌ای

۱. طایفه و فرقه‌گرایی قبل از اشغال امریکا در عراق ۲۰۰۳م.

بریتانیایی‌ها از ابتدا کوشیدند تا سنی‌ها را قانع کنند که دولت و مناصب بالا در حکومت - چه در عرصه نظامی و چه در عرصه غیرنظامی - تنها حق ایشان است و هرگونه مشارکت شیعه در حساب سنی ثبت خواهد شد؛ به این جهت، حکومت‌ها هم در عصر پادشاهی و هم در دوران جمهوری قبل از ۲۰۰۳م. همبستگی ملی را تضعیف نمودند و از ابتدای ریاست صدام حسین در کشور، حکومت در شخص وی خلاصه گردید. او ریاست شورای انقلاب و هیئت وزیران را برعهده داشت و دبیرکل حزب‌بعث عربی سوسیالیستی بود (نیفین، ۲۰۰۹) و در دوران حکومت خود، برای حفاظت از موجودیت حکومت، بر همه بخش‌های اجتماعی، سیاسی، اداری و سازمان‌های امنیتی، سلطه کاملی داشت (الریعی، ۲۰۰۷: ۸۷)؛ اما فضای بسته سیاسی آن زمان و ستیز با احزاب سیاسی، بسیاری از سیاسیون را وادار به مهاجرت و پناهندگی سیاسی و زندگی در خارج از کشور نمود و اضافه بر آن، جنگ‌های پی‌درپی که موجب محاصره اقتصادی و تسلط بحران‌های قومی، فرقه‌ای، مذهبی و عشایری گردید، علت اصلی فروپاشی سریع نظام بعثی در برابر تهاجم امریکا شد (عبدالوهاب، ۲۰۰۶: ۱۵۱).

اکراد از دیرباز خواستار خودمختاری تشکیل ارتش کردی و مشارکت در دولت مرکزی بوده‌اند اما این خواسته هرگز از سوی دولت مرکزی مورد پذیرش واقع نشد و همین امر منجر به ازسرگیری جنگ بین کردها و دولت مرکزی در سال ۱۹۶۵م. گردید. در سال ۱۹۶۹م. این درگیری پس از ملاقات بین صدام و رهبر اکراد - ملامصطفی بارزانی - متوقف شد و در مارس ۱۹۷۰م. بیانیه‌ای از سوی طرفین صادر شد که به موجب آن، در راستای حفظ حقوق قوم کرد، زبان کردی (در مناطقی که اغلب آنها کرد باشند) به‌عنوان زبان رسمی به رسمیت شناخته شد

و برپایی خودمختاری نیز مورد تأیید قرار گرفت؛ هرچند که توافق‌نامه مزبور هیچ‌گاه به مرحله اجرا درنیامد (مروه، ۱۹۹۹) و پس از قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر بین ایران و عراق، توافق‌های سابق با اکراد در عمل، لغو و منجر به ترک وطن بارزانی و پناهندگی او به ایران گردید.

در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸م. صدام در عملیاتی سراسری موسوم به "انفال" به کردستان حمله کرد و بعد از شکست جبهه کردها در سال ۱۹۹۱م. کردها بر اساس توافق‌های پیشین، با صدام وارد مذاکره شدند. علت قبول مذاکره توسط کردها، احساس پیدایش ضعف در حکومت صدام پس از عملیات طوفان صحرا (پس از اشغال کویت) بود و بنابراین، کردها باور داشتند که بیش از هر زمان دیگر، قادر به کسب امتیاز از صدام هستند؛ اما مذاکرات به این دلیل که کردها خواهان الحاق مناطق بیشتری به کردستان و حکومت خودمختار بودند و دولت عراق نیز خواهان قطع روابط کردها با کشورهای خارجی بود، با شکست مواجه شد (رجایی، ۲۰۰۵: ۲۵۲-۲۱۵).

۲. طایفه و فرقه‌گرایی بعد از اشغال آمریکا ۲۰۰۳م.

خشونت طایفه‌ای پس از ورود آمریکا در آوریل ۲۰۰۳م. صورت دیگری یافت و با تشکیل دولت موقت پل بریمر در جولای ۲۰۰۳م. بعد طایفه‌ای و نژادی در سیاست‌های اشغالگران پررنگ‌تر شد؛ به طوری که صندلی‌های پارلمان بر اساس طایفه و نژاد توزیع شد و سپس این شیوه در وزارتخانه‌های مختلف امتداد یافت و طایفه، به معیار اساسی برای انتخاب اعضا مبدل گردید؛ چیزی که از ابتدای پایه‌گذاری حکومت در عراق سابقه نداشت.

از همان روزهای نخست، عراق میدان جنگ‌های نامنظم دنباله‌دار داخلی شد؛ اما این جنگ‌ها مانند آنچه در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸م. در جنگ داخلی اتفاق افتاد، نبود بلکه نیروهای مسلح تابع مقتدی صدر - رهبر شیعیان - حملات خود را بر ضد نیروهای اشغالگر از طریق انفجار متعدد نارنجک‌ها و خودروهای بمب‌گذاری شده و تیراندازی آغاز نمودند (بی.بی.سی. عربی، ۲۰۱۴/۴/۲۸) و به این ترتیب، طوایف به جای درگیری با یکدیگر، به مقاومت در برابر اشغالگران پرداختند.

اما از سال ۲۰۰۶م. خشونت طایفه‌ای روند دیگری را آغاز نمود. انفجار حرم امامین عسکریین در سامرا در ۲۰۰۶/۲/۲۲ به شکل بی‌سابقه‌ای منجر به تحریک عواطف قومی گردید و این امر در سایه بحران تشکیل دولت و در زمانی اتفاق افتاد که احزاب سیاسی، بعد از گذشت بیش از دو ماه از انتخابات ۲۰۰۶م. هنوز هم موفق به رسیدن به توافق نشده بودند. این انفجارها

بر وقوع تغییراتی در شکل اهداف منتخب گروه‌های سیاسی دلالت داشت که از ترور افراد به هدف قرار دادن شخصیت‌های برجسته دینی و دارای تقدس خاص کشیده شد؛ از آن جهت که ضریح امام هادی و امام عسکری (ع) هم در نزد شیعه و هم در نزد سنی دارای احترام هستند و با وجود آنکه سامرا شهری سنی‌مذهب است اما شیعیان از سراسر عراق برای زیارت راهی آنجا می‌شوند (محمد عبده، ۲۰۰۶). درحقیقت، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های خشونت طایفه‌ای در عراق، فراوانی تعداد کشته‌شدگان بر اساس انتساب به نژاد و مذهب بود و این درگیری‌ها از خمپاره‌اندازی در داخل بغداد بین محلات شیعه و سنی‌نشین تا کوچ اجباری از یک منطقه به منطقه دیگر بر اساس هماهنگی قومی و طایفه‌ای ادامه یافت.

از نگارش قانون "مدیریت حکومت انتقالی سال ۲۰۰۳" می‌توان دریافت که نظام حکومتی عراق "جمهوری اتحادیه‌ای، فدرالی و دموکراتیک" است. اضافه بر آن، فدرالیسم در عراق درحالی پایه‌گذاری شد که مرزهای اقلیم خودمختار کردستان، مرزهای قومی بود و همین امر سرچشمه تأثیرات بعدی بر تدوین قانون اساسی دائمی عراق در ۲۰۰۵ گردید و بسیاری از مواد قانون قبلی در قانون اساسی عیناً تکرار شد (عبدالحسین شعبان، ۲۰۰۴: ۱۰۳).

بعدها، اقدام ایالات متحده در انحلال وزارت رسانه و نبود قانون یا دستورکاری که نظام‌بخش رسانه‌ها باشد، به حضور کانال‌های ماهواره‌ای طایفه‌ای و نژادی متعدد منجر گردید و این کانال‌ها نیز حوادث و اخبار را با سمت‌گیری طایفه‌ای، به‌گونه‌ای که موجب افزایش مخاطبان‌شان گردد، منتشر می‌نمودند؛ امری که - خواه ناخواه - به تضعیف بیش از حد ملی‌گرایی و وطن‌دوستی در عراق منجر گردید (البیاتی، ۲۰۰۷: ۵۹ - ۵۳).

خشونت بین اقلیت کرد و دولت مرکزی

عراق در گذر زمان، همواره شاهد حوادث سیاسی و طایفه‌ای پیچیده‌ای بود که اختلافات بین دولت مرکزی و حکومت اقلیم کردستان - که از حکومت فدرالی برخوردار است - در رأس همه آنها جای دارد. نکته قابل ذکر این است که این امر، مسئله‌ای جدید نیست بلکه مشکلات انباشته‌شده ناشی از بحران‌های بین دو طرف از گذشته تاکنون است که درحال حاضر، به مرحله خطرناکی وارد شده‌است. اگر این اختلافات سر ریز گردد و یا بغداد بخواهد حکومت اربیل را منحل نماید، بدون شک، با واکنش شدیدی مواجه خواهد شد و سلامت اقلیمی عراق مورد تهدید قرار خواهد گرفت؛ اضافه بر آن، ادامه این بحران نیز موجب شعله‌ور شدن آتش فتنه

قومی و مذهبی در عراق خواهد شد؛ در حالی که عراق هنوز به جهت جنگ‌هایی که در دهه‌های گذشته بر آن تحمیل شده‌است، از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی التیام نیافته‌است (هشام بشیر، ۲۰۱۳: ۱۶۵). مهم‌ترین دلایل اوج‌گیری بحران بین اقلیم کردستان و دولت مرکزی به شرح زیر است:

الف. عوامل سیاسی

دلایل سیاسی مهمی در پیچیدگی روابط بین مرکز و اقلیم وجود دارد که مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

۱. فقدان حس ملی در طرف‌های سیاسی

شعله‌ور شدن بحران بین طرف‌های سیاسی و سختی کنترل و مهار پیامدهای آن، در نتیجه پیکار بر سر منافع و وسواس در دریافت سود و دستاوردهای بیشتر در نظام سهمیه‌بندی قدرت بوده‌است و این امری است که هیچ علاج بنیادی و راه برون‌رفتی برای آن وجود ندارد؛ چراکه این بیماری به تمام بخش‌های جامعه راه یافته‌است و تلاش‌های عناصر تفرقه‌افکن نیز روز به روز بر شدت آن می‌افزاید و این امر تا جایی پیش رفته‌است که ثبات سیاسی و اجتماعی را از بین برده و چرخ‌های پیشرفت را متوقف نموده‌است.

۲. دور شدن از گفتگو و میل به اقدامات تحریک‌آمیز

به جای التزام به آرامش، گفتگو و روش‌های آرام‌بخش و نزدیک‌سازی دیدگاه‌های متفاوت، تمایل هر طرف بر اظهارات آتشین و تحریک‌آمیز است و علاوه بر آن، جای یک میانجی هدایت‌گر نیز در گفتگو میان دو طرف، به شدت خالی است و این امر رسیدن به آرامش و راه‌حل از طریق مذاکره را مسدود نموده‌است.

۳. اعتقاد به شرایط در پیش برای اهداف مرحله‌ای

این موضوع نمایشگر آن است که هر طرف به دنبال آن است تا مسائلی که از گذشته‌های طولانی ایجاد شده‌است را بر اساس منافع خود و به یکباره حل و فصل نماید.

ب. عوامل اقتصادی

نفت کرکوک مهم‌ترین گره بحران حل‌نشده بغداد و اربیل است. میادین نفتی کرکوک، به طور کامل زیر سلطه مسعود بارزانی و خانواده و نزدیکان او است و این امر از نظر بارزانی، یکی از نقاط قوت او به شمار می‌رود؛ چراکه موتور اقتصادی دولتش را به راه می‌اندازد و بزرگ‌ترین

اهرم برای فشار بر بغداد است. در سال‌های اخیر، دولت بغداد، دو راه برای برخورد با مسئله اربیل را در پیش گرفته‌است؛ راه‌حل نخست، درخواست رسمی از کشورهای همسایه برای توقف واردات نفت از اقلیم است و راه‌حل دوم، آغاز آماده‌سازی و اصلاح لوله‌های نفتی مخصوص دولت عراق به بندر جیهان ترکیه است؛ بدون آنکه از منطقه اقلیم عبور نماید (الاخبار، شماره ۳۲۹۶).

در ابتدای اختلافات بین دو طرف بعد از جنگ عراق، کردها از ابهامات قانون اساسی سوءاستفاده نموده و با شرکت‌های نفتی خارجی، به‌طور مستقل از مرکز، قرارداد بستند و بغداد نیز در اقدامی متقابل، از تأیید صحت این قراردادهای خودداری نمود و شرکت‌هایی که قراردادی را خارج از وزارت نفت، به امضا برسانند، مورد تهدید قرار داد.

ج. عوامل مرتبط با قانون اساسی و مرزی

کردهای عراق طبق قانون اساسی، به حقوق و امتیازاتی در زمینه ملی عراق و محلی اقلیم کردستان دست یافتند و این حقوق و امتیازات، آنها در موقعیت برتری نسبت به کردهای کشورهای همجوار (ایران، ترکیه و سوریه) قرار داد که در اینجا به تعدادی از مواد قانون اساسی در این زمینه اشاره می‌شود (قانون اساسی عراق، مصوبه ۲۰۰۵):

ماده ۴. زبان عربی و کردی دو زبان رسمی برای عراق هستند و نمادهای فدرالی و رسمی در اقلیم کردستان، هر دو زبان را به کار می‌برند.

ماده ۱۱۷. این قانون اساسی از زمان تصویب، حکومت موجود در کردستان را به‌عنوان منطقه‌ای فدرالی به رسمیت می‌شناسد.

ماده ۱۲۰. اقلیم قانون اساسی خاص خود را خواهد داشت که در آن، ساختار و اختیارات و سازوکارهای به‌کارگیری اختیارات را بدون آنکه تعارضی با قانون اساسی ملی داشته باشد، مشخص خواهد نمود.

ماده ۱۲۶. هرگونه تعدیل در قانون اساسی که به کاهش اختیارات اقلیم بیانجامد، مجاز نیست و درخصوص موارد انحصاری اقلیم، تنها در صورت موافقت رسمی حکومت اقلیم و فراندوم و موافقت اکثریت ساکنان کردستان امکان‌پذیر می‌باشد.

ماده ۱۴۰. این ماده در ادامه ماده ۵۸ قانون مدیریت حکومت عراق در دوره انتقالی (۲۰۰۴م) است که بر اساس مسئولیت واگذار شده بر قوه مجریه در دولت انتقالی و بر اساس ماده ۵۸

همان قانون، قوه مجریه به موجب قانون اساسی باید کاملاً آن را عادی‌سازی نموده و به‌منظور سرشماری در کرکوک و مناطق مورد اختلاف برای تشخیص خواست ساکنانش اجرایی سازد و مهلت آن، حداکثر تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷م. بوده است. با وجود حقوق و امتیازاتی که افراد در قانون اساسی از آن برخوردار شدند، مهلت قانون در ماده ۱۴۰ بدون عمل به آن منقضی گردید و دولت فدرال عراق، آن را بدون اینکه از پشتوانه قانون اساسی برخوردار باشد، تمدید نمود؛ در حالی که در نص قانون اساسی در ماده ۱۴۰، اشاره‌ای که متضمن تمدید باشد، وجود نداشت و به این ترتیب، به جهت عدم توانایی دولت مرکزی در پیاده‌سازی ماده قانون اساسی، بحران کرکوک بین اقلیم کردستان و دولت مرکزی به وجود آمد و تاکنون نیز ادامه یافته است.

پس از سقوط نینوا به دست داعش در ژوئن ۲۰۱۴م. بر تشنج روابط افزوده شد و زمانی که مسعود بارزانی ورود نیروی پیشمرگ به استان کرکوک پس از عقب‌نشینی ارتش را اعلام نمود، این اختلافات شدت بیشتری یافت. سپس عملیات امن‌سازی در کرکوک توسط نیروهای نظامی عراق برای بازپس‌گیری استان کرکوک و مناطق مورد اختلاف با حکومت اقلیم کردستان در شب‌هنگام ۱۵ اکتبر ۲۰۱۷م. آغاز گردید و پس از عقب‌نشینی نیروهای پیشمرگ، دولت عراق بار دیگر بر این مناطق تسلط یافت. این عملیات زمانی اتفاق افتاد که دولت اربیل همه‌پرسی استقلال و جدایی از عراق را در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷م. اجرا نمود و دولت مرکزی و طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از پذیرش آن سر باز زدند. این عملیات مناطقی را هدف قرار داد که افراد در ۲۰۰۳م. در جریان حمله آمریکا به عراق به تصرف خود در آورده و یا در سال ۲۰۱۴م. تحت کنترل خود قرار داده بودند.

چالش‌های سیاسی و امنیتی (گزارش سالانه، ۲۰۲۰/۱/۵)

۱. بعد سیاسی

عراق در طول سال ۲۰۱۹ شاهد تداوم بحران‌های سیاسی به‌خصوص در موضوع تشکیل دولت بود که تا ماه اکتبر گذشته نیز به طول انجامید. ظاهراً سرنوشت عراق با بحران درآمیخته است و از دل هر بحرانی، بحران و چالش دیگری آفریده می‌شود تا عراق همچنان در بحران باقی بماند؛ به طوری که دولت عراق، یک ماه پس از روی کار آمدن، به دلیل تظاهراتی که عراق را وارد مرحله جدیدی از بحران نمود، مجبور به کناره‌گیری شد و این امر در حالی روی داد که دولت مزبور، در زمان تشکیل، از اقبالی عمومی برخوردار بود.

در واقع، تظاهرات در عراق، به بهانه ضعف در ارائه خدمات، نبود فرصت‌های شغلی، نارضایتی از شرایط زندگی و مبارزه با فساد آغاز شد. علاوه بر آن، روش برخورد با تحصیلکرده‌های بیکار در سپتامبر گذشته، موجب واکنش در فضای عراق شد و پاشیدن آب داغ به اجتماع زنان توسط نیروهای امنیتی نیز موجب شعله‌ور شدن اعتراضات و تغییر مطالبات از مسائل اقتصادی به حوزه سیاسی و تغییر دولت و نظام سیاسی مبتنی بر طایفه‌گرایی شد و در پایان نوامبر سال گذشته، حکومت وادار به کناره‌گیری گردید و راهپیمایان ثابت نمودند که به‌عنوان یک بازیگر قوی در صحنه سیاسی در طول سال ۲۰۱۹م. قادرند که دولت را به اجرای مطالبات اساسی خود وادار نمایند؛ که تغییر کمیساریای انتخابات، قانون‌گذاری جدید انتخابات که نامزدی فردی را تضمین نماید و ایجاد دایره‌های متعدد انتخاباتی در استان و اضافه بر آن، برکناری دولت، از آن جمله است. اگر تظاهرات‌کنندگانی که از سوی اکثریت مردم عراق و مرجعیت دینی پشتیبانی می‌شدند، نبودند، فراقسیون‌ها و دسته‌جات سیاسی هرگز قادر به اجرای این گام‌های سه‌گانه نبودند. تظاهرات، همچنین، به انحلال شوراهای استان‌ها و ابطال شوراهای محلی در بخش‌ها و فرمانداری‌ها منجر گردید و تصویب قانون جدید بازنشستگی و قانون انتخابات نیز نسبت به گذشته متفاوت شد و شورای کمیساریای انتخابات منحل گردید و درنهایت، به برکناری و استعفای تعدادی از استانداران و فرماندهان امنیتی انجامید.

عراق درحالی با ۲۰۱۹م. وداع کرد که لبریز از بحران‌های سیاسی و اختلافات بزرگ بین دسته‌جات سیاسی - چه حامی و چه مخالف تظاهرکنندگان - بود. زیر پا گذاشتن قانون اساسی از نظر زمان‌بندی‌ها و تجاوز از آن، به یک شاخص خطرناک برای آینده روند سیاسی کنونی مبدل شد؛ یعنی اصرار تظاهرکنندگان به تغییر قواعد و اجرای انتخابات پیش از موعد.

در ۲۰۲۰/۲/۱ برای نخستین بار، نخست‌وزیر - محمد توفیق علوی - که مأمور تشکیل دولت بود، در تلویزیون و کانال‌های ماهواره‌ای ظاهر شد تا برنامه دولت جدید را اعلام نماید. برنامه‌ریزی تشکیل دولت جدید کاملاً با روش دولت‌های گذشته متفاوت بود و او درحالی سگان دولت را از نخست‌وزیر مستعفی - عادل عبدالمهدی - تحویل گرفت که به‌دلیل فضا و مواضع سیاسی و مردمی بسیار ناهمگون و شرایط بحرانی موجود، ابهامات زیادی در توانایی دولت به‌منظور اداره کشور در این شرایط حساس و نیز تهیه مقدمات یک انتخابات پاک که پاسخ‌گوی خواسته‌های تمام عراقی‌ها باشد و تسلیم فشارها و معادلات حزبی و طایفه‌ای و قومی نگردد و به سهمیه‌بندی و سازش و کوتاه‌آمدن و راضی‌سازی در برابر گروه‌ها تن ندهد، وجود داشت.

۲. بعد امنیتی (گزارش سالانه، ۲۰۲۰/۱/۵)

بعد امنیتی شاهد تحولات مهمی در زمینه نحوه اقدام نیروهای امنیتی بود و در این میان، فعال‌سازی اقدامات اطلاعاتی، نقش قابل‌توجهی را در وارد آوردن ضربات سهمگین بر سازمان‌های تندرو و افراطی ایفا نمود؛ ضرباتی که منجر به کشته‌شدن و دستگیری ده‌ها تن از رهبران این سازمان‌ها گردید که مهم‌ترین آنها تروریست ملقب به "ابوخلدون" معاون ابوبکر بغدادی - رهبر سازمان افراطی داعش - بود.

از سوی دیگر، سازمان اطلاعاتی عراق در ۲۰۱۹م. موفقیت مهمی را ثبت نمود: تشخیص مکان رهبر سازمان افراطی که در استان ادلب سوریه توسط نیروهای ویژه امریکایی به قتل رسید. یکی دیگر از موارد امنیتی مهم در سال ۲۰۱۹م. در عراق، حادثه‌ای بود که نام "جنگ پایگاه‌ها" بر آن نهاده شد و عبارت بود از حمله به تعدادی از پایگاه‌های حشدالشعبی و انبارهای آن که به شهادت و زخمی شدن ده‌ها نفر از افراد حشد منجر گردید. قبل از پایان ۲۰۱۹م. نیز نیروهای امریکایی، پایگاه‌های حزب‌الله عراق در منطقه قائم در نزدیکی مرزهای عراق - سوریه در غرب عراق را مورد تعرض قرار دادند که منجر به شهادت ۲۵ نفر و جراحت ۵۱ نفر و وارد شدن خسارت‌های فراوان به ساختمان‌ها و تجهیزات گردید و امریکایی‌ها آن را پاسخی انتقام‌جویانه به کشته‌شدن یک بازنشسته امریکایی اعلام نمودند و از حملات بیشتر در صورت هرگونه اقدام تهاجمی خبر دادند.

بدین ترتیب، حوادث شتاب گرفت و بحران‌ها یکی پس از دیگری روی داد و بار دیگر، کشور بر سر خطرناک‌ترین پیچ‌ها قرار گرفت. از تجاوز گنجهکارانه به پایگاه‌های عراقی در شهر قائم و شهادت و زخمی شدن فرزندان رزمنده عراق گرفته تا حادثه تأسف‌برانگیز بغداد که در یک تجاوز آشکار و با زیر پا گذاشتن تمامی عهدنامه‌های بین‌المللی و نادیده‌گرفتن حاکمیت ملی عراق در نزدیک فرودگاه بین‌المللی بغداد، منجر به شهادت قهرمانان مبارزه با داعش - یعنی حاج ابومهدی المهندس و حاج قاسم سلیمانی - و شخصیت‌های دیگر ایرانی و عراقی در یک عملیات تروریستی گردید.

۳. زیر پا گذاشتن حاکمیت ملی و رویکردهای گوناگون

بعد از اشغال عراق، طبقه سیاسی به دو گروه اصلی تقسیم شدند؛ دسته اول، عراق را نادید گرفته‌شده از سوی حاکمیت ملی و اشغال‌شده توسط نیروهای امریکایی و هم‌پیمانان آن قلمداد می‌نمود؛ درحالی‌که دسته دوم، امریکایی‌ها را افراد آزادی‌بخشی می‌دانست که موجب

رهایی عراق از استبدادی گردیده بود که از دهه پنجاه میلادی به بعد در آن به سر می برد. در هر حال، هر دو گروه سیاسیون، به تشکیل اولین دولت که مسئول انتقال حاکمیت سیاسی به دولت عراق و قوه مقننه منتخب از سوی مردم عراق بود، رضایت داشتند. بدین ترتیب، عبدالمهدی حکومت را تحویل گرفت و نسبت به انجام طرح های اقتصادی و نظامی که موجب رشد عراق در این دو زمینه می شد، اقدام نمود. انعقاد توافق نامه با چین، در زمینه اقتصادی، ضربه دردناکی به امریکا بود و در زمینه نظامی نیز عراق، نه تنها درخواست امریکا برای انحلال حشدالشعبی را اجابت ننمود بلکه به دلیل عدم بازگشایی معبر بو کمال (در مرز سوریه) موجب خشم ایالات متحده گردید و از آن پس بود که امریکا دخالت های خود را آغاز نمود و از طریق طرفداران خود و به کمک کانال های ماهواره ای، تلاش های گسترده ای را برای ایجاد ناآرامی و هرج و مرج از طریق تظاهرات صورت بندی نمود و به این ترتیب، علاوه بر انحلال حشدالشعبی، خواستار سقوط نظام گردید. درحقیقت، پس از شکست در طرح ریزی ها بود که امریکایی ها به طور مستقیم حملات خود را به پایگاه های حشدالشعبی و ترور رهبران پیروز در نبرد با داعش و تهدید مستمر عراق و حشد آغاز نمودند.

در حال حاضر نیز طبقه سیاسی عراق، همچنان روی حاکمیت عراق در حال بحث و مجادله اند. پس از هدف قراردادن فرماندهان ایرانی و عراقی در نزدیکی فرودگاه بغداد و پس از اینکه تهران در پاسخی متقابل، دو پایگاه نظامی امریکایی در انبار غرب بغداد را با موشک های بالستیک خود هدف قرار داد، نزاع امریکا و ایران، خشم وسیع مردم و حکومت را برانگیخت و در میان ترس از تبدیل عراق به میدان درگیری بدون دامنه امریکا، خواهان اخراج نیروهای امریکایی از کشور شدند. آیت الله سید علی سیستانی - مرجعیت اعلای دینی در عراق - در خطبه ۱۰ ژانویه ۲۰۲۰م. از ضعف دولت عراق در رویارویی با زیر پا گذاشته شدن حاکمیت ملی و تبدیل عراق به صحنه نزاع (اشاره به تشنج بین ایران و عراق) انتقاد نمود و اعلام داشتند: «آنچه در روزهای اخیر واقع شد، تجاوزات خطرناک و زیر پا گذاشتن چند باره حاکمیت ملی عراق بود و قوای مسئول، در حمایت از کشور و شهروندانش ضعیف ظاهر شدند و این تجاوزات، جزئی از پیامدهای بحران داخلی است و استمرار این بحران و پافشاری هردو طرف بر مواضع خود، راه را برای دخالت های بیشتر دیگران هموار نموده است تا در مسائل داخلی برای رسیدن به مطامع خود فرصت طلبی نمایند». ایشان در سخنان خود از همگان خواست تا به دنبال راهکاری برای بحران موجود و پاسخ گویی به مطالبات اصلاحی برای خروج از بحران باشند و تمام طرف های

مسئول را به ارتقای سطح مسئولیت‌ملی دعوت کرد تا از تضييع فرصت‌ها برای رسیدن به چشم‌انداز عراقی که صاحب‌اختیار خودش بوده و کشورهای دیگر، در تصمیم‌گیری‌های آن نقشی نداشته باشند، جلوگیری کنند (اسعد کاظم شیب، ۲۰۲۰). ایشان، همچنین، هرگونه عملیات بر ضدّ شخصیت‌ها و رهبران عراق را نقض آشکار حاکمیت و تجاوز به کرامت میهن و بالا بردن خطر جنگی ویرانگر در عراق و منطقه و جهان برشمرد و بر نقض آشکار شرایط حضور نیروهای امریکایی در عراق که منحصر به ایفای نقش آموزشی نیروهای عراقی و جنگ برضدّ داعش در ضمن یک پیمان بین‌المللی و زیر نظر و با موافقت دولت عراق بود، تأکید نمود و در ادامه بیان داشت که «دعوتنامه‌ای رسمی را برای برپایی جلسه فوق‌العاده پارلمان به استناد ماده ۵۸ قانون اساسی برای تنظیم موضع رسمی عراق و اتخاذ تصمیمات قانونی و اقدامات ضروری مناسب که موجب حفظ کرامت و امنیت و حاکمیت عراق شود، ارسال نموده‌ایم». مرجعیت دینی عراق، به‌سرعت ترور دو فرمانده و همراهانشان را محکوم نمود و نقش آنها را در آزادسازی عراق از سازمان تروریستی داعش ستود و در آخرین خطبه، هر عملی را که به حاکمیت عراق آسیب زند و عراق را به صحنه تصفیه‌حساب درگیری‌ها مبدل نماید، مردود دانست و به دولت عراق خطاب نمود که مردم عراق، بی‌صبرانه منتظر علاج مشکلات و سرعت‌بخشیدن به سازندگی و بهبود پرونده خدمات هستند.

پارلمان عراق در نتیجه این حوادث، در پنجم ژانویه ۲۰۲۰م. به مصوبه‌ای رأی داد که بر اساس آن، دولت عراق باید به حضور نظامی بیگانگان در کشور پایان دهد و همچنین، شکایت رسمی خود را برای زیر پا گذاشته‌شدن حاکمیتش از سوی امریکایی‌ها به شورای امنیت سازمان ملل تقدیم نماید و درخواست کمک از پیمان بین‌المللی نبرد با سازمان داعش را لغو و ابطال نماید. نظرات گروه‌ها و فراکسیون‌های سیاسی در مورد قانون اخراج نیروهای امریکایی از عراق متفاوت بود؛ در حالی که فراکسیون‌های شیعی به آن رأی دادند، فراکسیون‌های کردی و سنی تحفظ نشان دادند. در واقع، کردها خواهان بقای نیروهای امریکایی بودند و اطلاعاتی نیز پیرامون نیت امریکایی‌ها برای برپایی پایگاه در اقلیم کردستان وجود دارد. فراکسیون‌های سنی نیز قانون اخراج بیگانگان را نپذیرفتند و حضور آنها را موجب تسلط بر مرز با سوریه پنداشتند؛ به‌خصوص آنکه امریکایی‌ها در صحرای انبار متمرکز بودند؛ همچنین، به عقیده آنها، مداخله جمهوری اسلامی ایران، اگر برخلاف قانون اساسی عراق بوده‌باشد، غیرقابل‌پذیرش است اما اگر مطابق قانون اساسی یا قوانین داخلی و یا قوانین بین‌المللی باشد، قابل‌پذیرش خواهد بود (القبانجی، ۲۰۲۰).

با بازگشتی سریع به ابتدای دولت عبدالمهدی، می‌توان دید که هیچ‌گونه دخالتی از سوی ایران که برخلاف قانون اساسی و قوانین دیگر باشد، وجود ندارد. سنی‌ها و کردها وارد ساختن ضربه به پایگاه‌های امریکایی را محکوم نموده و آن را زیر پا گذاشتن حاکمیت ملی عراق برشمرده‌اند اما درحقیقت، چنین چیزی صحیح نیست؛ چراکه ایران، قبل از حمله، دولت عراق را در جریان عملیات خود قرار داد و هیچ‌گونه مخالفتی از سوی فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق اعلام نشد؛ اما زمانی که امریکایی‌ها مواضع حشدالشعبی را بمباران کردند، ایران آن را محکوم نمود و این دلیل آشکاری است مبنی بر اینکه ایران حاکمیت ملی را نقض نکرد؛ چه رسد به قوانین بین‌المللی‌ای که به ایران اجازه می‌دهد تا از خودش دفاع کند؛ حتی اگر دشمنش در خاک کشور دیگری باشد.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین مشکل عراق، چندگانگی انتسابات داخلی و مقدم‌دانستن هویت‌های بسته محلی بر هویت ملی است. تقدم طایفه و قبیله و منطقه جغرافیایی بر هویت فراگیر عراق و جنگ طایفه‌ای در عراق ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸م. تجلی این خلل و تکه‌تکه شدن هویت ملی است و بالاتر از آن، این است که اساساً هویت ملی در عراق و در خلال این ماجراها، مورد بحث و شک و تردید قرار گرفت؛ درحالی‌که این هویت در طول تاریخ حکومت عراق، همواره وجود داشته‌است. تجزی و تفرقه در داخل جامعه عراق، موجب بروز مشکلات دیگری نیز گردیده‌است که مهم‌ترین آنها به این شرح است:

۱- ولایت طایفه‌ای و تقدم مصالح طایفه بر منافع ملی

یکی از اساسی‌ترین تهدیدها برای آسیب زدن به منافع ملی، ولایت طایفه‌ای و تقدم مصالح طایفه بر منافع ملی است؛ زیرا روشن است که همواره منافع هر طایفه‌ای با طایفه دیگر در تعارض قرار دارد و در آخر، آنچه که زیان می‌بیند، میهن عراق است.

۲- امتداد طایفه‌ها به خارج از مرزهای حکومت و عراق

طوایف اصلی تشکیل‌دهنده عراق شیعه، سنی، کرد و ترکمان هستند و این درحالی‌است که شیعیان در ایران امتداد دارند، سنی‌ها به دنبال پشتیبانی سعودی و ترکیه هستند و کردها با ایران، ترکیه و سوریه مرتبط‌اند.

۳. طایفه‌گرایی؛ چراگاه فساد

طایفه‌گرایی چراگاه فساد و محیط تشویق‌کننده آن است؛ چراکه فاسدان هر طایفه، مورد حمایت قوم خود هستند و هرگاه دولت بخواهد از آنها حساب‌کشی نماید، آن را به حساب برخورد با طایفه می‌گذارند و نه تخلفات فرد. براین اساس، می‌توان گفت که ترمیم هویت طایفه‌ای یا بازسازی مسالمت‌آمیز آن، موجب تغییرات فراوانی در عراق خواهد شد و عراق را به سوی پیشرفت و رشدی سریع پیش خواهد برد و نظام خواهد توانست از مهم‌ترین مانعی که برای نوسازی حکومت با آن مواجه است، عبور نماید و از وحدت و سازندگی حمایت نماید.

دولت عراق، همچنان در سال جاری با چالش‌های پر شماری روبه‌رو خواهد بود که مهم‌ترین آنها عبارت است از عدم نابودی کامل داعش در عراق، احتمال از سرگیری و تشدید اعتراضات به‌خاطر افت خدمات اساسی و آنچه که به افزایش میانگین‌های فساد بازمی‌گردد. در روزهای اخیر، تجاوزات خطرناکی به وقوع پیوسته است که از پیامدهای بحران‌های داخلی موجود بوده و استمرار این بحران‌ها در داخل و پافشاری طرف‌های درگیر بر روی مواضع خود، مشکلات را در همه جوانب لبریز نموده‌است و این وضع، زمینه را برای مداخله بیشتر در امور داخلی عراق و تحقق مطامع بیگانگان فراهم نموده‌است. درحقیقت، بسیاری از مشکلات اساسی امروز در عراق، به فقدان هویت ملی مربوط می‌شود و درمان این مسئله نیز به‌طور قطع، راه حل بسیاری از اشکالات و نارسایی‌ها خواهد بود.

پیشنهادها

با وجود کاهش تهدیدهای تروریستی و جدایی طلبی کردها، دولت عراق همچنان با چالش‌های زیادی روبه‌رو است که مهم‌ترین آنها ساخت هویت ملی و غالب‌ساختن آن بر هویت‌های فرعی دیگر، چالش مشکلات قانون‌اساسی در رابطه با اقلیم کردستان و تشکیل دولت کامل عراق و تهدیدهای ناشی از بازگشت مجدد سازمان تروریستی داعش و تقویت کنترل حکومت بر سلاح‌های در دست گروه‌ها و کنترل احتمالات از سرگیری اعتراضات در اثر فشارهای اقتصادی و اجتماعی و نارسایی خدمات عمومی است و به تمام این موارد، باید بازسازی خرابی‌ها و ویرانی‌ها و بازیابی توازن در اقتصاد عراق را افزود.

موارد زیر، پیشنهادهایی است که می‌تواند دولت عراق را از صف‌بندی طایفه‌ای و سهم‌خواهی و بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی - که ملت عراق از آغاز اشغال از آن رنج برده‌اند، عبور دهد:

۱. تلاش برای انتخابات زودهنگام و به نتیجه رساندن پرونده حضور بیگانگان در عراق و محافظت از یکپارچه‌گی بافت ملی و سد مسیر طرح‌هایی که دعوت به تجزیه و جدایی نموده و با دست آهنین به موضوع فساد ضربه زده و مراکز و کانون‌های آن را مورد حمله قرار داده‌است. سپردن مفسدان اقتصادی به دستگاه قضایی و همچنین، دوراندیشی در برابر کسانی که قانون را نقض می‌نمایند، فعال‌سازی بخش کشاورزی و صنعت و برداشتن گام عملی برای فعال‌سازی طرح‌هایی مانند توافق با چین - که عبدالمهدی آغازگر آن بود - و دور کردن عراق از درگیری‌ها و کشمکش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.
۲. تمرکز بر بهینه‌سازی دولت در عراق؛ به گونه‌ای که اگر مردم به دولت به چشم فاسد و ناتوان بنگرند، سرآغاز شکوفایی افراطی‌گری خشن خواهد شد و همچنین، بهترین راه مقابله با افراط‌گرایی خشن همانا پشتیبانی تحول دولت به سوی کارایی، پاسخ‌گویی و قانون‌گرایی است.
۳. تحول اقتصاد در عراق. حکومت عراق نیازمند اقتصادی فعال است تا بتواند با افراطی‌گری مبارزه نماید و همچنین، از مسیر یک طرح اقتصادی برای رشد سریع اقتصاد، فرصت‌های شغلی را برای جوانانی که در معرض تندروری هستند، ایجاد نماید؛ به خصوص اینکه، عراق از میادین نفتی و ثروت‌های دیگری برخوردار است که می‌تواند در این مسیر، به آنها تکیه نماید.
۴. ادامه آموزش نیروهای عراقی. گرچه تهدیدهای امنیتی عراق پس از اخراج داعش هنوز پایان نیافته‌است اما نیروهای امنیتی عراق برای بلندمدت نیازمند آمادگی رزمی در برابر هر حرکت افراطی و تندروری در سرزمین‌های عراق هستند و به این جهت، باید این نیروها بازسازی و تجدید قوا شوند تا بتوانند از کشور حمایت نمایند.
۵. میانجی‌گری بین بغداد و اقلیم کردستان. آنچه مانع حل بحران کردی در عراق می‌شود، نبود میانجی بین دو طرف است و به این دلیل است که هر دو طرف، ساده‌ترین راه برای دفاع از نظرات خود را در به‌کارگیری نیروی نظامی و اسلحه جستجو می‌نمایند.
۶. تقویت ادغام و یکپارچگی ملی و عبور از طایفه و فرقه‌گرایی. ادغام تمام طیف‌های ملت عراق، بهترین راه‌حل برای ماندگاری عراق با ثبات و متحد است. تمامی گروه‌های شیعه، سنی و کرد باید پذیرای یکدیگر بوده و از تحریک فتنه و اقدامات قوم‌گرایانه و فرقه‌گرایی بپرهیزند.
۷. وضع قانونی قاطع که فتنه‌انگیزان را در بین ملت عراق مورد تعقیب قرار دهد.

منابع فارسی

- البیاتی، یاسر خضیر (۲۰۰۷)، "تکه تکه شدن صحنه عراق؛ تله‌گذاری‌های طایفه‌ای، سیاسی و رسانه‌ای"، مجله المستقبل العربی، شماره ۳۴۵، صص ۵۹ - ۵۳
- حارث حسن (۲۰۱۴)، بحران طایفه‌ای در عراق؛ میراث از دیرهنگام، مرکز خاورمیانه‌ای بنیاد کارنگی، قابل دسترس در
- http://carnegieendowment.org/files/iraq_sectarian_crisis_Hassan_ARA_11
- الربیعی، علی حسن (۲۰۰۷)، چالش‌های ساخت یک حکومت در عراق، در سلسله کتاب‌های المستقبل العربی، بیروت، مرکز بررسی‌های وحدت عربی
- رجایی، فایده (۲۰۰۵)، اکراد عراق؛ اهداف بین ممکن و محال، قاهره، دارالحریه
- شعبان، عبدالحسین (۲۰۰۴)، عراق؛ قانون اساسی و حکومت؛ از اشغال تا اشغال، قاهره، مرکز المحروسه
- عبدالوهاب، حمید رشید (۲۰۰۶)، تحول دموکراسی در عراق؛ میراث‌های تاریخی و بنیان‌های فرهنگی و عوامل تعیین‌کننده خارجی، بیروت، مرکز بررسی‌های وحدت عربی
- عبده، محمد (۲۰۰۶)، "انفجارها در سامرا و امنیت خلیج"، مجله شئون خلیجیه، شماره ۴۵، ص ۱۲۵
- قانون اساسی عراق، مصوبه سال ۲۰۰۵، قابل دسترسی در
- https://www.constituteproject.org/constitution/Iraq_2005.pdf?lang=ar
- گزارش سالانه (۲۰۲۰)، "عراق سال ۲۰۱۹ را با دولت موقت پشت سر می‌گذارد ... چالش‌های سیاسی و اقتصادی همچنان پابرجاست"، قابل دسترسی در Arabic.news.cn-2020-01-05
- مروه، حامد البدری (۱۹۹۹)، "کردها و شیعیان مابین جدایی و خودمختاری"، مجله سیاست بین‌الملل، شماره ۱۳۶، ص ۱۰۱
- نیفین، عبدالمنعم مسعد (۲۰۰۹)، "درگیری‌های دینی، مذهبی و نژادی (فرقه‌ای) در میهن عربی"، مجله المستقبل العربی، بیروت، مرکز بررسی‌های وحدت عربی، سال ۳۲، شماره ۳۶۴، ص ۶۶
- هشام، بشیر (۲۰۱۳)، "عراق؛ بالاگرفتن بحران بین دولت و اقلیم"، مجله ال‌دی‌مقراطیه، شماره ۴۹، ص ۱۶۵
- _____ (۲۰۱۴)، "مانور بغداد بین دیپلماسی و جنگ بی‌پایان؛ عملیات نظامی بازپس‌گیری نفت کرکوک"، مجله الاخبار، شماره ۳۲۹۶ قابل دسترسی در
- <http://www.alakhbar.com/node/284612>

- _____ (۲۰۱۴)، مسلسل زمانی مهم‌ترین وقایع در عراق، بی.بی.سی. عربی ۲۰۱۴/۴/۲۸ قابل دسترسی در

http://www.bbc.com/arabic/middleeast/2014/04/140424_iraq_timeline

منابع انگلیسی

-Satyanarayan Pattanayak(2005), "Regime Change in Iraq & Challenges of Political Reconstruction", Strategic Analysis, Vol. 29, No. 4, pp. 637-638

